

عدم اتکا به تئوری در موسیقی ایرانی از سوئی ریشه در گذشته این موسیقی دارد و از سوی دیگر متاسفانه در تمام قلمرو این هنر حاکم بوده است. احاطه بر تئوری موسیقی می تواند یکی از عوامل اساسی ارتقاء و پیشرفت موسیقی (از نظر سهولت نگهداری و آموزش) باشد. در گذشته، بواسطه بهره مند نبودن از این علم، آموزش موسیقی ایرانی - که کاملاً به صورت نقل سینه به سینه انجام می شده است - به سادگی امروزه نبوده است، از سوی دیگر این صعوبت در یادگیری و باصطلاح استاد شدن خود یکی از عوامل تثوریزه نشدن موسیقی بوده است. زیرا بیشتر استادان از آموزش دانسته‌های خود پرهیز داشتند، علت این امر هم این بود که هنر خود را بسادگی بدست نیاورده بودند و همین دانش منحصر بفرد بود که مقام استادی شان را تضمین می کرد. بعلاوه تمام سرمایه و اندوخته یک استاد موسیقی، در تکنیک‌ها و مطالبی خلاصه می شد که در طی سالیان متمادی می آموخت و از آنجا که منبع درآمد و گذران زندگی اغلب اساتید محدود به سرمایه هنری آنها می شد. حتی شکل گیری مهمترین سرمایه موسیقی ایرانی یعنی رپرتوار^{۱۱} ردیف و ابداعات مربوط به آن در گذشته، بوسیله افراد مختلف و در زمان‌های گوناگون و بدون داشتن اندیشه تثوریک و طرح ریزی شده انجام گرفته است. به نحوی که خاستگاه آن در گذر زمان بفراموشی سپرده شده است.

چنین وضعیتی طبعاً می توانست منتهی به غیر عملی شدن و در نهایت ابتدال موسیقی شود، زیرا علیرغم برخورداری موسیقی ایرانی از اصالت و رزانت و سرشار بودن از احساس، در تلاقی و تماس فرهنگ ایران با فرهنگ‌ها و موسیقی‌های بیگانه (بویژه اروپا)، برای این موسیقی، بهره مندی از تئوری علمی لازم آمد. اولین کسی که به تدوین تئوری موسیقی ایرانی پرداخت، علینقی وزیر بود. این هنرمند شایسته، قابلیت رهبری و انرژی فوق العاده ای داشت. وی پس از تحصیل در اروپا و بازگشت به ایران،

۱۱ - رپرتوار به معنی مجموعه است و در موسیقی اروپا برای معرفی آثار نوشته شده برای یک ساز به یک سبک مشخص بکار می رود.

نقصی در ساز، گذشته از آن که ساز را از معنا، مفهوم و فلسفه وجودی خود دور می کند و باعث می شود نوازنده برای پوشاندن آن مجبور به صرف انرژی اضافی باشد در این زمینه باید یادآوری کرد که نوازنده به هر میزان هم که دارای تخصص و تبحر باشد، قادر خواهد بود تا حدی از عیوب ساز را بپوشاند.

ساز چیست و چه جایگاهی در هنر موسیقی دارد؟

از تعریفی که برای موسیقی بیان شد چنین بر می آید که رکن اساسی و گریز ناپذیر موسیقی، صوت یا صداست^۲. میزان نقش صوت در تکوین موسیقی به اندازه ای بدیهی است که بی نیاز از توضیح و تفصیل است و هرگونه شرح و تفصیلی در این زمینه، توضیح و اوضحات است. صوت مرکز ثقل موسیقی است از این رو هرگونه تعریف و توضیحی از هنر موسیقی بناگزیب، همراه با شناخت صوت خواهد بود. از این رو برای ورود به بحث ساز شناسی، بررسی این رکن اساسی موسیقی، لازم و بلکه ضروری است.

Shiraz-Beethoven.ir

صوت: رکن اساسی موسیقی:

صوت یا صدا نتیجه ارتعاش امواج صوتی است و بوسیله گوش احساس می شود. به دیگر سخن هر آنچه انسان بتواند به یاری گوش خود احساس کند، صوت نامیده می شود^۳. این تعریف از صوت، کلی است و شامل تمام انواع صوت قابل شنیدن موجود در طبیعت می شود^۴. بدیهی است که دایره اصوات در موسیقی، محدودتر است. این

۲ - دیگر رکن موسیقی وزن (ایقاع) است. وزن، عبارتست از رعایت تناسب زمانی نتها و سکوتها در زمان. بدیهی است که اهمیت وزن علیرغم ضرورتی که در موسیقی دارد، به مراتب کمتر از صوت است، زیرا صوت عامل وجودی موسیقی است و وزن یکی از لازمه‌های ایجاد ملودی. برای اطلاعات بیشتر ر. ک همان منبع. ص ۱۳. در این زمینه در کتب مربوط به موسیقی قدیم از سازهای نگارنده وزن تحت عنوان ذوات الایقاع یاد شده است. برای اطلاعات بیشتر ر. ک شمس العلماء محمد حسین قریب، ساز و آهنگ باستان، ص ۱۹.

۳ - پرویز منصوری، تئوری بنیادی موسیقی، ص ۲۱.

۴ - گوش انسان قادر است اصواتی را که فرکانس آنها بین ۱۶ D ۵ هرتز و ۲۰۰۰۰ Hz است بشنود. فیزیک دانان سطح مختلف اصوات را با اعداد ۱-۲-۳ و ... به صورت دو اندیس یک (Do1) مشخص می کنند و تعداد حرکت‌های رقت

و منطبق بر چه ایده آلی ، به ساخت ساز دست می یازند . از میان سازهای ایرانی متاسفانه ، نمودهای این مشکل در سه تار بیشتر بوده است . (یا دست کم می توان گفت در این ساز بیشتر مشهود بوده است) . عواملی چون ظرافت بیش از حد این ساز و مشکل بودن ساخت اصولی آن نیز در این امر بی تاثیر نیستند .

دلایل اساسی این امر را در جای جای کتاب ذکر کرده ایم ؛ معهذرا در این میان دلایلی شایان توجه بیشتری هستند ؛ عدم توجه علمی و آکادمیک به موضوع ، جدائی سازندگان از قشر نوازنده و موسیقیدان (از نظر فکری) ، تجارتنی نگریستن به موضوع و توجه صرف به بازار و این که ساز هم مانند دیگر وسایل اجرای موسیقی فقط یک ابزار ساده به حساب می آید شماری از این دلایل هستند .

Shiraz-Beethoven.ir

راه حل گریز از بن بست

از دیدگاه ما شاید توسل به راه های زیر بتواند به گونه ای سدهای ایجاد شده بر سر راه موسیقی ایرانی را برداشته و موجبات رشد و ترقی آن را فراهم کند :

الف : توجه موکد به تئوری علمی و کاربرد آن :

جای خالی تئوری و نگرش علمی جامع در هنر موسیقی ایرانی بسادگی و با اندکی تعمق احساس می شود . آنچه امروز برای ایجاد تحول و بازیابی ارزش های نهفته این هنر وزین لازم می آید ، تکیه و تاکید صرف بر یافته ها و تحقیقات علمی و اصول قابل ارائه به زبان بین المللی است . بدیهی است که در راس چنین تحولی نیز باید نخبگان و برگزیدگان قرار گیرند . صرف به قلم کشیده شدن کتاب های تئوری موسیقی - که اکثرا جنبه تکراری به خود گرفته و فاقد تحقیقات تازه هستند - برای علمی کردن موسیقی ایرانی کافی نیست . بهره مندی موسیقی از اصول و یافته های علمی مستلزم آن است که در قدم نخست جایگاه آن شناخته و حداقل برای کسانی که به نحوی با آن ارتباط دارند معرفی شود . در قدم های بعدی ایجاد و معرفی روش های تحقیق و پژوهش و صد البته امکانات مالی کافی در این زمینه لازم می آید .

۳- دارا بودن نرمش‌های لازم روی دسته برای اجرای تکنیک‌های دسته همچون ویبره و ... یکی از مهمترین عوامل نرمش دسته، تعادل^۲ پوزیسیونی است. یعنی در سازهایی که تعادل پوزیسیونی برقرار باشد نرمش دسته بیشتر است. به علاوه نرمش دسته از دو جهت قابل توجه است، یکی نرمش سیم‌ها روی دسته در برخورد با مضراب و دیگری خوش دست بودن دسته از نظر جرم و وزن و شکل.

۴- هماهنگی فیزیکی با جسم نوازنده: از این نظر ساز باید به نحوی طراحی شود که از لحاظ اندازه و سایر خصوصیات ظاهری با جسم نوازنده هماهنگ باشد، مثلاً برای خردسالان ساز بزرگ و برعکس برای افراد تنومند نیز ساز کوچک به علت عدم تناسب جسمی مناسب نیست.

۵- کاسه سه‌تار باید به صورت همگون و متناسب تراشیده شده باشد، به طوری که تمام قسمت‌های آن با زدن ضربه ای صدای هماهنگ بدهد. گود بودن و گسل غیر منطقی اصطلاحاً باعث ایجاد صدای مرگ در ساز می‌شود.

ب - خصوصیات مربوط به صوت Shiraz-Beethoven.ir

این خصوصیات که مربوط به نوع و شخصیت صدای ساز هستند، اجمالاً عبارتند

از:

- ۱- سلامت صوت از نظر عاری بودن از اصوات مزاحم^۴.
- ۲- تناسب حجم صدا: به نحوی که نه آنقدر کم باشد که نیازمند وسایل مصنوعی تقویت صوت باشد و نه آنقدر زیاد که شنیدن آن شنونده را آزاری بیش نباشد.
- ۳- موسیقایی بودن جنس صدا^۵: موسیقایی بودن همان نزدیکی صدای ساز به طبیعت و احساس انسانی است. همانگونه که اصوات انسان‌ها با هم متفاوتند سازها را نیز طبیعتاً صداهای متفاوت و مختلف است. به دیگر سخن با جوش خوردن صرف چند قطعه چوب و شکل‌گیری آن صدای حاصله لزوماً

2- Balance
4- Noise
5- Texture

Shiraz-Beethoven.ir

نوازندگان از سه تار استفاده‌های چندگانه و گوناگون می‌نمایند. به دیگر سخن سه تار دارای کاربردها و نقش‌های چندگانه ای است؛ منظور از کاربرد نقشی است که ساز به عهده دارد. بر اساس نحوه و نوع استفاده ای که از ساز به عمل می‌آید، طبعاً ماهیت و کیفیت آن نیز متفاوت است. نحوه‌ها و انواع استفاده‌هایی که از سه تار می‌شود، در گونه‌های نوازندگی انعکاس می‌یابند. طبعاً نوازندگان مختلف به منظورهای مختلف ساز می‌نوازند. بر اساس این که منظور و نحوه نواختن سه تار چه باشد، طبعاً ماهیت و کیفیت خاصی را می‌طلبد.

گونه‌های نوازندگی

نواختن سه تار در گونه‌ها و به منظورهای ذیل قابل تصور است:

۱- نوازندگی محفلی (استفاده از سه تار در محافل)

۲- نوازندگی به صورت اجرای کنسرت

۳- نوازندگی برای ضبط اثر

حال باید دید هر کدام از انواع فوق چگونه سه تاری را می‌طلبد؟ یا به دیگر سخن

برای هر یک از منظورهای فوق بهتر است از چگونه سازی استفاده شود؟

۱- نوازندگی برای ضبط اثر^{۱۳}

۱۳ - سازهای مورد استفاده در خلوت نیز در دسته سازهای ضبطی قرار می‌گیرند از آنجا که سه تار برای برآوردن این منظور دارای انعطاف و قابلیت قابل توجه و بالائی است از قدیم الایام نام ساز خلوت اهل دل به خود گرفته است. استفاده